



Original Paper

Article History:

Received: 8 April 2024

Revised: 13 May 2024

Accepted: 11 June 2024

Published Online: 21 June 2024

The Effects of Islamic Wisdom on the Criteria of Urban Planning and Architecture Jurisprudence (Fiqh Al-'Amara)

Atefeh Hosseinifard¹ (Corresponding Author), Mohsen Fahim²

1. Department of Theology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

E-Mail: atefehosseinifard@gmail.com

2. Department of Theology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Abstract

Changes in the field of architecture and urban planning are in most cases different and sometimes contradictory to Islamic values. Islam is a complete religion and it warns Muslims against accepting non-Islamic behaviors and norms because it wants Muslims to adhere to their values and principles. On the other hand, Islam has forbidden the acceptance of any kind of ideological concept or non-Islamic behavior that directly or indirectly affects Islamic beliefs. In this regard, Muslims should pay attention to this issue in the principles and methods of their construction, because the important issue is the transfer of Islamic culture to physical, economic, social and political structures in order to direct all the activities of the society. , should be a divine and religious orientation. In fact, considering that no culture has been able to be created and spread independently of a religion, what is called Islamic architecture today is the result of the conflict and interaction of ethnicities, the nation There are various cultures and each of them had something to say according to their place and time, and of course, Islam is at the top of these cultures. Accordingly, this article is titled the effects of Islamic wisdom in the jurisprudence of urban planning and architecture. Fiqh al-Amara) was written. This research is applied in terms of type and purpose and descriptive in terms of nature and method.

Keywords: wisdom, Islamic wisdom, rules of jurisprudence, urban planning, jurisprudence of architecture.

Citation: Hosseinifard, A.; Fahim, M. (2024). The Effects of Islamic Wisdom on the Criteria of Urban Planning and Architecture Jurisprudence (Fiqh Al-'Amara). Journal of Islamic Wisdom and Law, 1 (2), 112-121. Doi: 10.71844/iwl.2024.1197132

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.





دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
دوره ۱، شماره ۲، پاییز- زمستان ۱۴۰۳
Sanad.iau.ir/journal/iwl
Doi: 10.71844/iwl.2024.1197132



مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

تأثیرات حکمت اسلامی در ضوابط فقه شهرسازی و معماری (فقه العماره)

عاطفه حسینی فرد^۲ (نویسنده مسئول)، محسن فهیم^۲

۱. گروه الهیات، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

atefehosseinfard@gmail.com

۲. گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده

تغییرات در حیطه معماری و شهرسازی، در غالب موارد متفاوت و بعضاً متضاد با ارزش‌های اسلامی است. اسلام دین کاملی می‌باشد و مسلمانان را از قبول رفتارها و هنجارهای غیراسلامی بر حذر می‌دارد چرا که می‌خواهد مسلمانان در ارزش‌ها و اصول خود ممتاز باشند. از سویی اسلام، قبول هر نوع مفهوم ایدئولوژیک یا رفتار غیر اسلامی را که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر عقاید اسلامی اثر می‌گذارد، ممنوع نموده است. در همین راستا مسلمانان در اصول و روش‌های ساخت و ساز خود باید به این موضوع توجه نمایند چرا که مساله با اهمیت، انتقال فرهنگ اسلامی به ساختارهای کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد تا از این راه، جهت‌گیری تمام فعالیت‌های جامعه، جهت‌گیری الهی و دینی باشد. به واقع با توجه به این که هیچ فرهنگی نتوانسته مستقل از یک مذهب ایجاد شود و گسترش یابد، آن چه که امروزه از آن با عنوان معماری اسلامی نام برده می‌شود، حاصل تضارب و تعامل قومیت‌ها، ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگونی است که هر کدام به تناسب مکان و زمان خود صاحب حرفی برای گفتن بوده‌اند که البته در صدر این فرهنگ‌ها، اسلام قرار دارد. بر همین اساس این مقاله با عنوان تأثیرات حکمت اسلامی در ضوابط فقه شهرسازی و معماری (فقه العماره) نگارش شده است. این پژوهش از نظر نوع و هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی است.

کلمات کلیدی: حکمت، حکمت اسلامی، ضابطه‌های فقه، شهرسازی، فقه العماره.

نحوه ارجاع به مقاله:

حسینی فرد، عاطفه؛ فهیم، محسن (۱۴۰۳). تأثیرات حکمت اسلامی در ضوابط فقه شهرسازی و معماری (فقه العماره). دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق.

Doi: 10.71844/iwl.2024.1197132، ۱۱۲-۱۲۱، (۲)، ۱

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – accses article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

حکمت اسلامی دارای ظرفیت‌های قابل توجهی برای کاربری در دانش شهرسازی و معماری و زیر شاخه‌های آن است که تا به حال بخش قابل توجهی از این ظرفیت در راستای پاسخ گویی به مسائل دانش معماری، در مجامع علمی و دانشگاهی و هم چنین حوزه‌های علمیه به صورت شایسته مورد تدقیق واقع نشده است. در اکثر موارد مسلمانان سعی دارند که در کار و حرفه خود درستی و نادرستی را سنجیده و به انجام یا دوری از آن اقدام نمایند. اما آن چه که روشن است این گونه است که هر موضوعی از زندگی فردی و اجتماعی انسان از جمله مسائل معماری و شهرسازی در هر دوره خاص، مسائل و مشکلات مربوط به خود را دارد. هنر و معماری اسلامی مانند دیگر حوزه‌های علمی مستقل مکتبی است خاص که از منظر فلسفی و محتوایی، و هم چنین ساختار دارای اصول و مفاهیم خاص و بعضاً متفاوتی از دیگر مکاتب مطرح معماری در جهان هستی است که منابع و سرچشمه‌های اصلی آن را باید در علم و حکمتی جستجو نمود که در میان قرآن و سنت وجود دارد. (علی آبادی و هاشمی طغرالجردی، ۱۳۸۹: ۶۸) پرواضح است که هر معمار و هنرمندی زمانی که تصمیم به انجام اثری می‌گیرد علل مختلفی وی را در جهت حرکت به سوی ایده‌های مطلوب سوق می‌دهد که باز هم یکی از با اهمیت‌ترین این عوامل جهان بینی و ایدئولوژی یعنی نحوه نگرش وی به جهان اطراف خودش است بنابراین نظریه‌پردازان در حوزه حکمت اسلامی بر این عقیده می‌باشند که معماری اسلامی فارغ از استثنائات آن در تمام ایام برگرفته از نگاه ایدئوتیک هنرمند و معمار مسلمان دارای تعهد به اصول اساسی اسلام می‌باشد که هر چه که خلق می‌نماید مبتنی بر نگاه توحیدی باشد که اساسی‌ترین اصل اسلام است، لذا هر چه که در یک بنای معماری به ویژه در مساجد مشاهده می‌شود چیزی نیست به غیر از کشف و شهود و یا خواست و نیت معمار برای بیان نمودن حقیقت توحید و لاغیر. بر همین مبنا برنامه ریزی و طراحی محیط شهری مسلمانان باید به افرادی داده شود که اصول اخلاقی کاملی، همانند دانش عمیقی از منابع و شاخه‌های دین را دارا هستند که صلاحیت و کفایت آن‌ها را ضمانت نماید. این توانایی و اعتبار در قرآن بسیار مورد توجه واقع شده است. از سویی اگر برنامه ریزان و طراحان از اصول دین اطلاع نداشته باشند، باید به نظر و عقاید علمای دین تکیه نمایند. این موضوع همیشه در محیط سنتی اسلامی که حاکمان و سایر افراد عام همیشه حکم علماء را در خصوص مسائل شهری و ساخت و ساز مورد توجه قرار می‌دادند، مشهود است. (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۹)

لحاظ احکام اسلامی در برنامه‌ریزی، طراحی و ساخت و سازهای شهری از نخستین قدم‌ها در تبدیل شهر به شهرهای اسلامی و مناسب حال مسلمانان می‌باشد. بر همین اساس مقاله حاضر به دنبال حل این موضوع است تا با شناخت اصول و شاخصه‌های مطلوب معماری و شهرسازی اسلامی با بررسی منابع، قواعد، معانی آن و همچنین با استناد به نظر و عقاید فقهای دین، در راستای برقراری ساختار و زمینه‌ی مناسب برای محقق نمودن اهداف اسلام و احکام شریعت برآید، به طوری که برای شهروندان مسلمان در ساختار یک شهر، امکان عمل آسان به واجبات و مستحبات و پرهیز نمودن از حرام‌ها و مکروهات، شرعی فراهم می‌شود تا از اثرات مادی و معنوی آن بهره‌مند شود.

۱- ساختار و ساحات خلق آثار معماری و شهرسازی از منظر حکمت اسلامی (فقه شهرسازی و معماری (فقه العماره)

فقه شهرسازی و معماری به معنای فقه بناها، مزارع، بوستان، کشاورزی و فقه معماری است که شهرسازی، کیفیت منزل و چارچوب‌هایی که فقه در رعایت بنا و ساختمان سازی لازم می‌داند را شامل می‌شود. (صادق زاده، ۱۳۹۴: ۱۲) در خصوص این نوع فقه باید گفت که یکی از با اهمیت‌ترین ارکان احکام فقهی، دقت و حجیت آن‌ها می‌باشد و فقهای معظم نباید تنها به مبانی نظری و بنیادهای قواعد و احکام بسنده نمایند و در باب چگونگی به کارگیری و میزان کارآمدی صحبتی نفرمایند چرا که این امکان وجود دارد که قاعده‌های مطرح شده در عمل چندان کارآمد نباشند و این گونه تصور شود که فقهای گرامی تنها به کلی گویی پرداخته‌اند و نتیجه بحث روشن نمی‌گردد و چه بسا اختلاف نظرانی ایجاد شود. سکونت گاه‌های مسلمین، از حیث تعداد، فراوان‌ترین نوع معماری است که در تمامی پهنه جغرافیای فرهنگی جهان اسلام دیده می‌شود. این مسکن بر حسب اقلیم‌ها و شرایط گوناگون به انواع متنوعی، مانند سکونت گاه‌های متراکم و یا پراکنده، حیاط دار و یا منطبق و... تقسیم می‌شوند. اما آن چه دارای اهمیت است، شاخص‌های بهره‌گیری معماران مسلمان

از مبانی حکمت اسلامی در ساخت این بناهاست. در خصوص ساختار و ساحات خلق آثار معماری و شهرسازی و به طور کلی هر نوع فرآیند انسانی مبتنی بر جایگاه طولی هر یک، می‌توان به پنج مرحله کلی و اجمالی اشاره نمود. به واقع در فرآیند خلق آثار معماری و شهرسازی پنج مرحله اصلی در ساختار آن دخالت دارند. این مراحل به قرار ذیل است:

- معرفت‌های انسان از عالم و آدم

- نیت و انگیزه انسان

- شیوه عملی انسان

- اثر انسان

- تأثیرات اثر انسان بر خودش و مخاطبین

این مراحل و نوع ارتباط هر یک از آنها در تمام فرآیندهای انسانی خودآگاه یا فاقد آگاهی همواره قابل طرح هستند. آن چه دستاوردهای انسانی را از هم متمایز می‌نماید، محتوی این فرآیندها می‌باشد و آن چه معیار ارزیابی محتوای آنها است، مکتبی می‌تواند باشد که با حکمت نظری خود، عالم و آدم و روابط آنها را تبیین نموده و با حکمت عملی خود ارزش‌ها و ضدارزش‌ها را تشریح و معیارهای زیبایی و زشتی و فلسفه هنر را ارائه نموده باشد. از منظر اسلامی مکاتب بشری نمی‌توانند انسان و غایت وی را، جامع و مانع و خطاناپذیر تشریح نمایند و مکتب‌های الهی غیر از اسلام نیز، دچار تحریف و نقض گردیده‌اند. از منظر تشیع، تنها مکتب اسلام، مبتنی بر کلام الهی و سنت معصومین؛ خطاناپذیر و جامع و مانع می‌باشد و می‌تواند مکتب مبنا برای ارزیابی و نقد دقیق و عمیق رویه‌های انسانی باشد. (نقره کار، ۱۳۹۵: ۱۸۲) اسلام به صورت مستقیم در مورد موضوعاتی نظیر (معبودشناسی، هست شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی، جامعه شناسی، فلسفه تاریخ، رابطه انسان با محیط طبیعی و مصنوعی و...) در حکمت نظری خود به صورت کامل مطالبی معصومانه، جامع و مانع ارائه نموده است. این موضوع در دو منبع کتاب الهی و سنت معصومین (س) ما را قادر می‌سازد ضمن ارتقای معرفت‌های خود، معرفت‌های دیگران را که منشاء و سرچشمه ایده‌ها، رفتار و آثار آنها است، مورد ارزیابی و نقد واقع شود و با عبرت از آنها، ایده‌ها، رفتار و آثار ارتقاء یابند.

۲- شاخص‌های قدسی مسکن و ضابطه‌های حکمت اسلامی در شهرسازی و معماری

نقشه شهرهای اسلامی حاکی از تلاش جهت ایجاد، رعایت و نگهداشت این نظم است. رویکرد اصلی برنامه‌ریزی اسلامی، در راستای ارتقاء کیفیت زندگی است. اما بر عکس الگوهای غربی، در اسلام وضعیت رسیدن به این موضوع نیز دارای اهمیت است. ارتقای کیفیت زندگی در این رویه می‌بایست در خدمت اهداف نهایی یعنی عبادت الهی باشد و اصولاً آفرینش جن و انس نیز تنها جهت یگانه پرستی انجام گرفت.

مولفه عبادت به عنوان هدف غایی حیات، تأثیر عمیقی بر شهر اولیه اسلامی، مدینه نهاد. رسول اسلام به محض ورود به شهر مسجدی را در مرکز شهر قرار داد و سپس شروع به تقسیم کوی و برزن‌ها، اموال و خانه‌ها در بین مهاجرین و انصار کرد. وضعیت برنامه ریزی و مکان یابی عنصرهای اسلامی که در زمان آن حضرت انجام گرفت بعدها الگویی برای ساخت دو شهر کوفه و فسطاط شد.

اقدامات حضرت رسول از اصل‌های مشترک برخوردار بودند که عبارت بودند از:

۱. افزایش کاربرد شریعت

۲. انعکاس و برجسته نمودن مفهوم امت

۳. ممانعت از تضییع حقوق اجتماعی، رسول اکرم (ص) موظف بود تا در کار دین و پیشرفت اسلام به انسان‌ها کمک کند. یکی از ابعاد آن همانا اختصاص دادن محیط به مسلمین جهت افزایش کیفیت محیط‌های عبادی بود. به این قرار شهر در قدم اول باید قابلیت‌هایی

را داشته باشد تا هر مسلمان بتواند در آن به حیات عبادی خود متمرکز گردد. این جا شریعت مانند دستورالعمل‌هایی در باب عمل به نیکی و پرهیز و مبارزه با شر و یا اعمال ناشایست نقش خود را ایفا کند. در آیه ۱۱۰ سوره عمران در این باره فرموده شده است: "شما نیکوترین امتی هستید که برای آن قیام کردند تا خلق خود را سعادت بخشند، جهت اصلاح بشر مردم را به نیکوکاری وادار کنند و از بدکاری باز دارند." حضور قوی قوانین شریعت اسلامی در این موضوع و توجه حکمت اسلامی را می‌توان در دو شهر مدینه و تونس مشاهده نمود. (Saod-2002-7) در ساختن خانه و به عبارتی شهرسازی و معماری، باید ضابطه‌هایی در حیطه مدیریت شهری و اختیارات شهرداری مورد توجه قرار بگیرد از جمله توجه به عدم ارتفاع زیاد در ساخت خانه، چرا که رسول اسلام (ص) فرموده‌اند:

"حق همسایه آن است که بنای خود را از بنای او بالاتر نبرند و جریان هوا را بر وی مسدود نکنند." (پاینده، ۱۳۶۲: ۲۹۱) به واقع ساختن ساختمان‌های بلند با نظام عمران شهری اسلامی سازگار نیست، آن چه در نظام عمران شهری به موجب حکمت اسلامی مورد تایید است خط افق در ساختمان‌های شهری است نه خط عمودی.

در منابع روایی نیز تصریح گردیده است خانه‌هایی با ارتفاع زیاد محل سکونت جن و شیاطین خواهند بود. (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۴۵) حتی عنوان شده است که با توجه به شاخص "بلند نبودن دیوارهای داخلی منازل بیشتر از هشت ذراع و مستندات آن، در حالتی که ارتفاع دیوارهای داخلی بنا، به علت‌های فنی و اقتضائات خاصی بیشتر از این مقدار باشد، در جهت رفع اثرات نامطلوب این عملکرد، باید آیت الکرسی و دیگر آیات قرآنی در قسمت مرتفع به حالت کتیبه نوشته شود که این عملکرد در سیره اهل بیت پیامبر (ص) نیز به اجرا در آمده است و البته از طرفی، خالی بودن خانه از آیات قرآنی مورد مذمت واقع گردیده است. (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۲۱۴) در مجموع بهتر این است که در عملکردهای تزئیناتی خانه نیز از آیه‌های قرآنی استفاده شود.

از طرفی شایان توجه است شاخص در حوزه معماری و شهرسازی عبارت می‌باشد از ابزار عینی یا مفهومی (انتزاعی) که برای اندازه گیری و ارزیابی وضع موجود معماری بناها و شهر، محاسبه و مقایسه موقعیت‌ها و مکان‌های مختلف شهر و بناهای آن و نیز به عنوان محکی برای پیش‌بینی آینده شهر و محاسبه بین وضعیت موجود تا وضعیت مطلوب اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد و از آنجا که امکان مقایسه را ایجاد می‌نماید، می‌تواند شرایط امروز شهرهای کشورهای مسلمان را با تمدن اسلامی در دوران گذشته مقایسه نمود و پیش‌بینی‌ها و مدل‌های متعالی را برای آینده شهر اسلامی فراهم نمود. (قربانی، ۱۳۹۱: ۱۳) شاخص‌های معماری و شهرسازی را می‌بایست از مطلوبیت‌های الهی استخراج نمود، به عبارتی مطلوبیت‌های الهی از مجموعه آموزه‌های اسلامی به دست می‌آید؛ از جمله شاخص‌های قدسی مسکن و ضابطه‌هایی که در حیطه حکمت اسلامی و شهرسازی و معماری باید مورد توجه مراجع مرتبط واقع شود می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- وحدت و مرکزیت

مرکزیت و وحدت از شاخص‌های برگزیده شدن مکان برتر است. قبله مسلمانان خود معیاری در راستای این عبارت می‌باشد که هم دارای مرکزیتی معنوی و هویتی نسبت به عالم اسلامی است و هم وحدت بخش هویت‌های سایر مکان‌ها است. این نقش را در شهرهای اسلامی، مساجد بر عهده دارند. هویت مکانی مسجد و تمامی اماکن نیز نه به مسجد بلکه به محوریت قبله یعنی هویت کامل کعبه تعلق دارد. این جهت‌گیری مکانی گویای این مساله است که خدا در هر زمان و مکان با شماست. مسجد همچون کعبه، خانه محترم و فرخنده خدا و خانه هدایت و قیام انسان‌هاست. پاره‌ای از بهشت در زمین و خانه امن و محترم است لذا حریمش از دیگر فضاهای شهری جدا می‌شود و از آن چه پلید است دور نگه داشته می‌شود. (قربانی، ۱۳۹۱: ۴۳) در یک شهر اسلامی باید به مسجد به عنوان عامل تعیین کننده و مرکزی فرهنگی و مذهبی در بخش مسکونی توجه نمود. سپس دیگر خدمات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و تجاری می‌توانند در کنار هسته اصلی محله‌ها برای رفاه ساکنان محله برنامه ریزی و طراحی شوند. به طور کلی بافت فیزیکی و کالبدی محله‌های سنتی نسبت به واحدهای همسایگی جدید نقش پررنگ‌تری در رابطه‌های متقابل اجتماعی داشته‌اند. (پورجعفر و ادب‌خواه، ۱۳۸۳: ۴۹۹)

- عدالت و مساوات

عدالت و مساوات از شاخص‌های هویت دهنده به مسکن است که خود را در قالب نقش مکان نسبت به پیرامون باز یافته و به نقش مسکن در کنار انسان و موضع‌گیری مکان در روابط اجتماعی انسان تمرکز یافته است. (ارجح، ۱۳۸۰: ۱۷) عدالت ارزشی است که انعکاس دهنده حقوق و فرصت‌های مساوی برای تمامی اعضای جامعه است. وجود عدالت نیز یکی از موارد با اهمیت در اتخاذ رویکرد شهروند مداری است که مدیریت شهری در اجرای ضوابط و سیاست‌های حاکم باید به آن توجه ویژه مبذول دارد. شایان ذکر است با توجه به ناکارآمدی رویکردهای سنتی و بروز مشکلات بی شماری مانند توسعه نابرابر و ایجاد مناطق دو قطبی در شهرها، طی دهه‌های گذشته موضوع جدیدی در نظام شهرها با عنوان حکمروایی خوب شهری عنوان شده است که بر چگونگی دست یافتن به مدیریتی کارآ و بهینه با زمینه توسعه‌ای مردم سالار و عادلانه تاکید دارد. (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۶)

-سلسله مراتب

سلسله مراتب ورود در مسکن اسلامی با تعبیر سلسله مراتب حضور و محرمیت شناخته می‌گردد. مکان دارای معنایی می‌باشد که رسیدن به کلیت آن تنها با دیدن مرحله وار و تفکر در آن به دست می‌آید. لذا هویت مسکن با کلیت و نه جزئیات منفرد بنا به دست آمده و ادراک آن تنها در سایه درک بینابینی جزئیات و کلیات بنا امکان‌پذیر است. در واقع، ادراک مسکن دارای مدارج فهمی است که با داشتن شخصیت‌های فردی، هویت اصلی خود را از درجه‌ای بالاتر یعنی کل بنا به دست آورده و ریز فضاها تنها در سنجش با مجموعه‌های بالاتر مانند شهر، عالم اسلامی و در نهایت عوالم الهی معنا می‌یابد. (محمدیان، ۱۳۸۶: ۲۹) در سوره اعراف، آیه ۱۶۱ آداب خاصی برای ورود به مکان، که در این آیه بیت المقدس است، قرار داده شده است. این سلسله مراتب نه تنها در سرزمین به معنای جغرافیای وسیع رعایت می‌شود که در بناها و مجموعه‌های شهری نیز دیده می‌شود.

-درون‌گرا، ابعاد هندسی و جهت‌گرایی جهت یابی در اسلام بر اساس جهت قبله است. (Dickie-1985-134) شاید بتوان درون‌گرایی را بارزترین مشخصه رعایت سلسله مراتب تلقی نمود و یا آن را ثمره ی محرمیت محسوب نمود و به زعم بسیاری جزء مهم‌ترین شاخصه‌های همه شهرهای اسلامی است. (سیفیان، ۱۳۷۸: ۶۰) معماری و ساخت ابنیه نیز با این هدف که مکان خاصی را به مکانی فراسرزمینی ارتقاء دهد در تمامی ساحت‌های مسکن دخالت کرده و با هندسه، تزئینات، استعاره و نماد پردازی در این نور، سایه، آب و خشت با اشاره به پرتوهای الهی و تجلی‌های قدسی، سعی دارد تا جلوه‌گاه علمی قدسی را در پیش چشم ناظرین به نمایش گذارد. (پاشایی کمالی، ۱۳۸۰: ۱۰۷) بنابراین مسکن با این نوع ویژگی‌ها خود را از عالم صغیره به عالم کبیره و ماوراء الطبیعه پیوند می‌دهد. مساله‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که این شاخص‌ها حکم فقهی و صرفاً آداب اجتماعی یا توصیه‌ها و مطالب فردی نمی‌باشد که هیچ نوع ضمانت اجرایی ندارد، بلکه جنبه ضابطه‌ای و مقرراتی برای ساخت شهر اسلامی با ابعاد حاکمیتی و نظارتی دارد و ضرورت‌های دینی و عقلایی برای رسیدن به نقطه مطلوب تعالی و پیشرفت اسلامی را با احکام و معارف انسان ساز اسلام در شهرسازی و معماری نمود و عینیت می‌بخشد.

۳- جایگاه حکمت اسلامی در اجرای ضوابط فقه شهرسازی و معماری (فقه العماره)

به واقع در راستای واکاوی ضابطه‌های فقه شهرسازی و معماری و اجرای آن شایان ذکر است خداوند متعال تمام مراحل سکنی‌گزیدن، از ساخت مسکن، انتخاب نمودن زمین برای بنا کردن ساختمان و شهر و هم چنین چگونگی دسترسی انسان به قوانین ساختمان سازی را هدیه خداوند می‌نامد و در سوره اعراف و آیه ۷۴ می‌فرماید این آموزه‌ها تا زمانی که در راستای حق و حقیقت باشد سبب رشد و سعادت انسانی و به دنبال آن رشد اجتماعی می‌گردد. در آیه مذکور خداوند فرموده است:

"وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهْلِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ"

به واقع در این آیه کلمه "عتو" به معنای خارج شدن از حد اعتدال و منظور خروج انسان از قوانین و سنن الهی است که موجب فساد خواهد شد. این قوانین در طبیعت و نهاد بشری با عنوان نعمات الهی واقع شده است و باید در مساله سکونت چه در برنامه ریزی کلی

شهری و چه در قرار گیری بنا و نقشه آن مورد استفاده واقع شود. این دستورات در حالت اعمال سبب مغفرت اجتماع می‌گردد. در آیه ۳۷ سوره ابراهیم نیز عنوان شده است که انتخاب مسکن توسط انبیاء بر اساس نماز و عبادت است. هم چنین در مجموع امر در این حیطه باید اصولی را در ساخت و ساز و معماری رعایت نمایند که از جمله این موارد می‌توان به اصل ضرورت و تقویت روابط همسایگی اشاره نمود که به موجب آن اصل مهندسی مدیریت منابع طبیعی، اصل عدالت و برابری اهالی شهر در برخورداری از امکانات طبیعی مطابق با اصول آمایش سرزمین و توجه به مسائل اقلیمی در طراحی شهری، برای این که همه اهالی محله به طور مساوی از باد منطقه بهره برداری نمایند، باید منازل به نحوی تعریف گردند که مانع از جریان باد در لابه لای خانه‌ها نشود و باد در تمامی منازل جریان یابد. لذا بلند نساختن خانه‌ها نسبت به یکدیگر در طراحی محلات دخیل است و باید به نحوی تنظیم شود که جریان باد به درستی مدیریت شود. از دیگر اصول، اصل مطلوبیت وسعت خانه است که در این خصوص در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که فراخ بودن منزل راحتی را برای مومن به دنبال دارد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵۳)

این روایت و سایر موارد در این خصوص نشان می‌دهد که ساختن خانه وسیع شاخص بسیاری از امور مطلوب در اسلام بوده و زمینه تحقق برخی از برنامه‌های متعالی اسلام در جامعه است. در این باره و رعایت این اصل و ضوابط آن مراجع ذی ربط نمی‌توانند چندان که باید اقداماتی را انجام دهد که دلیل آن کثرت جمعیت و مسائل مالی در زمان حاضر است به نحوی که در گوشه و کنار ایران اسلامی شاهد ساخته شدن خانه با متراژهای بسیار پایین هستیم. در احادیث نیز همواره به وسعت خانه به شرط استفاده خدمه و مهمانان تاکید شده است. در این رابطه روایت است که از امام حسن (ع) پرسیدند: والایی زندگی در دنیا چیست؟ ایشان پاسخ دادند: در گستردگی خانه و انبوه بودن دوستداران (کلینی، ۱۳۹۰: ۴۲۹) علاوه بر این در طراحی فضاهای داخلی خانه باید اصولی مدنظر قرار بگیرد و مدیریت شهری در هنگام اجازه ساخت باید به این موارد توجه نماید. نشیمن، پذیرایی و آشپزخانه نباید به گونه ای طراحی و ساخته شوند که در معرض دید بوده و به یکدیگر اشراف داشته باشند. در راستای پیشگیری از این مساله، راهکارهایی وجود دارد که با رعایت نمودن اصول معماری این امکان وجود دارد که از نمونه‌های کارکردی مانند فیلتر، خمش و ایجاد پیمون استفاده کرد. در این خصوص باید به نوع کاربردی فضاهای عملکردی و محیط‌های گوناگون آن‌ها توجه نمود. چرا که پوشیدگی تمامی محیط‌ها مساوی نیست و هر یک محدودیت و شرایط خاص خود را دارند. یکی از عملکردهای مناسب در راستای تحقق بخشیدن به این شاخص ایجاد نمودن درهای روبرو در اتاق‌های داخل منزل و ایجاد نمودن دالان و دهلیز و... است. در طراحی ابنیه معماری باید به اصل نهی باز شو که در زمره فقه العماره است، توجه نمود. باز شو در معماری به هر نوع عملکردی که دو فضا را به هم ارتباط می‌دهد گفته می‌شود و شامل در، پنجره، نورگیر و امثال این‌ها می‌شود. از آن جهت که نماز خواندن به سمت در باز مکروه است؛ در معماری مطلوب اسلامی نیز هر چیزی که موجب حواس پرتی نمازگزار گردد نباید در سمت قبله تعبیه شود یعنی در، پنجره و چیزهایی مثل تزئینات و تصویرهایی که نمازگزار را از تمرکز و توجه در نماز و حقایق آن منحرف می‌کند. (علامه حلی، ۱۴۱۹: ۳۴۸)

ضمناً باید در ساخت خانه اصل نهی از اشراف نیز مدنظر قرار بگیرد، بر همین اساس باید گفت مصون بودن فضاهای داخلی مسکن از اشراف و دیدبندگان موردی است که آسایش خانواده سخت به آن وابسته می‌باشد. چنان چه خانه‌ای مصون از دید دیگران نباشد، دیگر محل آسایش و امنیت نمی‌باشد. رسول خدا (ص) در این زمینه می‌فرماید: خداوند عزو جل چیزهایی را خوش ندارد که عبارتند از: بیهودگی در نماز .. و چشم انداختن به داخل خانه‌ها بدون اجازه (طبرسی، ۱۳۷۰: ۴۷۲) علاوه بر این بر اساس روایات اسلامی وارد شدن و نشستن در خانه تاریک مورد نهی واقع شده است. هم چنین در ساختن اتاق‌ها باید توجه نمود که صدهای کارهای داخل به خارج اتاق و سایر جاها نفوذ ننماید تا مفاسد اخلاقی و رفتاری ایجاد نشود. بر طبق ضوابط اسلامی، باید حریم آشپزخانه مورد توجه قرار بگیرد هر چند که در این موضوع و توجه به آن نیز مدیریت شهری نتوانسته بر اساس ضوابط اسلامی عمل نماید و در اکثریت خانه‌ها، آشپزخانه‌ای که در معرض دید است یعنی آشپزخانه‌های این جایگزین آن شده است. از منظر فقهی حتی بهتر است محل عبادت و نیایش در خانه مشخص و طراحی شده باشد. ضمناً طراحی برتر در فقه اسلامی معماری با توجه به تصریح روایات اسلامی این است که مستراح باید در مخفی‌ترین جای بنا واقع شود. لذا بهتر این است که در صورت امکان در فضای درونی منزل قرار نگیرد که این موضوع در حال حاضر و با توجه به دلایلی که عنوان شد، امکان‌پذیر نمی‌باشد. از دیگر ضابطه‌هایی که مدیریت شهری باید در شهرسازی و معماری اسلامی مد نظر قرار دهد و در هنگام صدور اجازه ساخت به آن‌ها توجه نماید مواردی مانند وجود اصل تعبیه محلی (سکو) برای نشستن جهت

پوشیدن کفش در ورودی منازل است چرا که پوشیدن کفش در حالت ایستاده و سرپایی از نظر شرعی مکروه بوده و در اسلام دارای مطلوبیت نیست. (مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۳۸)

البته در حال حاضر و افزایش آپارتمان سازی نسبت به خانه‌های ویلایی وجود پله این مشکل را رفع نموده است. اصل استحکام نیز در ساختن بنا باید مد نظر مدیریت شهری باشد که منظور به کاربردن مصالح مقاوم و متناسب در ساختمان است تا در مقابل سنگینی بنا و حوادث طبیعی مانند زلزله دوام داشته باشد. پیامد عدم توجه به این مساله که در دین اسلام هم به آن اشارات زیادی شده است زلزله اخیر و خرابی‌های بی‌اندازه ساختمان‌های مسکن مهر است که گویای عدم توجه مدیریت شهری و مراجع ذی ربط به این موضوع است. در شهرسازی ضابطه‌هایی در دین اسلام وجود دارد که باید مورد توجه واقع شود. اصل مسجد محوری در زمره این موارد محسوب می‌شود. با استناد به اهمیت شاخص "مسجد محوری" در شهرسازی اسلامی و بر اساس نقل تاریخی از جریان یافتن سیره نبوی در ساختن منازل، پیرامون مسجد که پیامبر(ص) بعد از این که مسجد النبی و منزل خود را ساختند، منازل اصحاب را با نقشه کشی خاص برای پلان خانه، پیرامون آن ساختند به نحوی که منازل همه آن‌ها به مسجد راه داشت و در مباحث قبل به آن پرداخته شد. شایان ذکر است ساختن منازل هر محله در تناسب با محوریت و مرکزیت مسجد ضروری به نظر می‌رسد. این شاخص دارای ابعاد گوناگونی است که از جمله می‌توان به طراحی کوچه‌ها به نحوی که منتهی به مسجد باشد، اشاره نمود.

در بررسی‌های فقهی با در نظر گرفتن کاربری‌های مربوط به خانه و اقتضائات مربوط به تعمیر و نگهداری آن، معیارهایی مانند لزوم تخصیص مکانی برای ریختن خاک و آشغال، ریختن برف و خاکستر مسیری جهت مدیریت آب‌های سطحی و دفع شده و راه ورود و خروج عنوان شده است که اندازه آن‌ها باید به وسیله مهندسان محاسبه گردد. نمونه‌های کارکردی نیز برای این مساله وجود دارد که می‌توان آنان را برای تحقیق در جزئیات محاسباتی حریم خانه مورد بررسی قرار داد. به هر حال محاسبه و ایجاد حریم برای خانه ضرورتی غیر قابل اجتناب است و نباید مورد غفلت قرار گیرد. به واقع یکی از موارد مهم در رعایت فقه العماره، اصل سازماندهی ناودان‌ها و آبریزها است. در زمان ظهور امام عصر (ع) برخی از اصلاحات شهری و معمارانه انجام گرفت که اصلاح وضعیت ناودان‌های منازل یکی از آن‌ها می‌باشد. (مغربی، ۱۳۸۵: ۴۶۵) در روایت‌های مرتبط نیز، عمده‌ترین حکمت در این مساله جلوگیری از آزار و اذیت مسلمانان عنوان شده است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۵۴) در این روایات، کندن و مسدود نمودن ناودان‌های جاری به سوی معابر عمومی از جمله موارد مهم در جلوگیری از مردم آزاری بیان شده است که در حیطه مسئولیت‌پذیری در قبال شهروندان قرار می‌گیرد. حتی حضرت علی (ع) در زمان حکومت خود به این موضوع اهتمام ورزیده و به انجام رسانده است. لذا ساختن خانه به نحوی که ناودان آن به کوچه و خیابان و معبر عمومی سرازیر نشود یکی از راههای محقق شدن عدالت اجتماعی و رعایت حقوق مردم خواهد بود.

موضوع حائز اهمیت در این جا این است که سیاق روایات مستند برای این شاخص عموم بوده و اختصاصی به خانه و کوچه ندارد، لذا ناودان‌های تمام عملکردهای بنایی شهر و در تمام معابر شهری باید ساماندهی گردد. (فدایی، ۱۳۹۲: ۴۳) شایان ذکر است با استناد به مستندات شاخص "ایجاد فضای سبز پیرامون منازل" طراحی و ایجاد فضای سبز مناسب در درون خانه ضرورت می‌یابد. این موضوع با گل کاری و درختکاری (ترجیحا کاشتن درخت میوه) در حیاط و درون خانه تحقق می‌یابد. به علاوه در راستای ایجاد اجزای فضایی و عملکرد مناسب برای کاشتن گل و گیاه در درون منازل، ابعاد شاخص تحلیلی وجود دارد که مهندس و معمار خلاق اسلامی باید آن را مورد استفاده قرار بدهد. سیره عملی پیشوایان بزرگوار دین مانند امام صادق (ع) نیز بر اجرای این موضوع اشاره داشته است. نمونه روشن و البته آرمانی این رابطه که وجود و تلازم باغ و منزل را به تصویر می‌کشد. جایگاه انسان‌های والامقام در بهشت است. بر اساس مستندات، طراحی و ساختن منازل در باغ یا ایجاد باغ و باغچه در درون محوطه (میان سرای) منزل مطلوبیت با اهمیتی در معماری اسلامی محسوب می‌شود. در نهایت واقعیت این است که معماری، بسیاری از رفتارها را جهت‌دهی می‌کند. مسکن اسلامی با بهره‌گیری از تعالیم اسلامی، ساختاری را ارائه می‌دهد که موجب تحکیم روابط اجتماعی و آرامش روانی افراد در رابطه با یکدیگر می‌گردد.

نتیجه گیری

با توجه به مقاله می‌توان این گونه نتیجه گرفت که حکمت اسلامی از طریق منابع خود اصل‌های ویژه‌ای را در حوزه‌های گوناگون مسکن و شهرسازی از نوع جهت گیری و حدود شهر و محله، نحوه استقرار کاربری‌ها تا رنگ و ارتفاع دیوارهای داخلی و...) به جهت حمایت از احکام و ارزش‌های اسلامی، ارائه می‌نماید. لذا آن چه در بحث مسکن سازی بر اساس حکمت اسلامی مطرح می‌شود قابلیت پیاده سازی دارد و سیاست ساخت مسکن در کشور مسلمان، باید به این سمت سوق داده شود. بر همین اساس، با استناد به گستردگی منابع و مباحث مطرح در این محدوده و هم چنین ورد پیدا نکردن حوزه‌های علمیه و مجامع دانشگاهی، به این موضوع لزوم تشکیل سازمانی محقق و مرکب از مهندسان و معماران و عالمان دینی در محدوده‌ی مسائل و مشکلات جدید معماری و شهرسازی اسلامی، ضروری به نظر می‌آید. با توجه به این موارد برگزاری دوره‌های ویژه‌ی دروس حوزوی برای معماران و تقویت آکادمیک رشته معماری اسلامی و برگزاری مسابقات در محدوده‌ی معماری اسلامی از منظر فقه شیعه پیشنهاد می‌شود. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود در راستای عملیاتی نمودن قواعد فقه اسلامی در حوزه شهرسازی و به منظور تهیه و تدوین مصوباتی که در انطباق با قواعد فقهی، حقوقی حکمت اسلامی باشند، شورای فقهی حقوقی با حضور کارشناسان و متخصصان حقوق اسلامی و فقه معماری و شهرسازی در شورای عالی شهرسازی تشکیل شود. هم چنین در شهرداری‌ها شورایی متشکل از متخصصین فقه شهرسازی اسلامی و متخصصان و مهندسان شهرسازی تشکیل گردد تا ضمن تبیین درست و روشن از موضوعات و مسائل شهرسازی، هنجارها، اصل‌ها و قاعده‌های فقه اسلامی در حوزه شهرسازی مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- بمانیان، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۴). معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی. تهران: انتشارات طحان
- پاشایی کمالی، فرشته (۱۳۸۰). اسلام و معماری مساجد. مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی معماری مساجد، افق آینده. دانشگاه هنر. دانشگاه تهران. تهران. ایران.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۲). نهج الفصاحه. تهران: انتشارات جاویدان.
- طبرسی، حسن (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. ترجمه ابراهیم میرباقری. قم: انتشارات فراهانی.
- علامه حلی (۱۴۱۹). نهجیه الاحکام فی معرفه الاحکام. قم: موسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- علامه مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الانوار. جلد سوم. بیروت: موسسه الوفاء.
- قربانی، رحیم (۱۳۹۱). شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی. تهران: انتشارات پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.
- کلینی، محمدعلی (۱۳۹۰). اصول کافی. جلد ششم. ترجمه احمد بابنپور. قم: انتشارات استوار.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶). مللاد الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار. تصحیح سید مهدی رجائی. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵). دعائم الاسلام. تصحیح آصف فیضی. قم: انتشارات موسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- پورجعفر، محمدرضا؛ ادب خواه، مصطفی (۱۳۸۳). نقش بافت فیزیکی و کالبدی محل‌های سنتی واحدهای همسایگی جدید در روابط متقابل اجتماعی. همایش توسعه محل‌ها و توسعه پایدار شهر. اهر. ایران.
- تقوایی، علی اکبر؛ تاجدار، رسول (۱۳۸۸). درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی. مجله مدیریت شهری. ۸ (۲۳)، ۴۵-۵۸.
- سیفیان، محمدکاظم (۱۳۷۸). قالب و محتوا در معماری اسلامی. مجله هنرهای زیبا. ۱ (۱)، ۵۸-۶۰.
- صادق‌زاده، وحید (۱۳۹۴). تبیین جایگاه ابواب فقه در بخش‌های مختلف مدیریت شهری با تاکید بر حوزه مسکن. همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی. رشت. ایران.
- علی آبادی، محمدعلی؛ هاشمی طغرالجردی، مجید (۱۳۸۹). ضرورت رویکرد نو در تدوین قوانین و مقررات معماری اسلامی. نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. ۱ (۱)، ۶۷-۷۶.
- فدایی، فرامرز (۱۳۹۲). طراحی مجتمع مسکونی با رویکرد اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد. یزد. ایران.
- محمدیان منصور، صاحب (۱۳۸۶). سلسله مراتب محرمیت در مساجد ایرانی. نشریه هنرهای زیبا. ۲۹ (۲۹)، ۵۹-۶۸.
- نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۵). نسبت اسلام با فرآیندهای انسانی فرانظریه سلام. فصلنامه پژوهش‌های اسلامی. ۴ (۱۲)، ۱-۲۱.

Dickie, J. (1985). The Mughul Garden –Getway to paradise. *maqarnas. An Annual on Islamic Art and Architecture*. Oleg Grabar. Leiden: E.J. Brill (Eds.).

Saod, R. (2002). *Introduction the Islamic City*. FSTC-Limited.